مقدمه

 هر روشی که در یک رشته خاص به کار می رود کمتر قابل استفاده و قابل انتقال در سایر زمینه هاست و موفقیت آن در یک رشته علمی، تضمینی بر این نیست که در رشته های دیگر موفقیت آمیز باشد.

روش شناسی با زمینه تحقیقی پیشرفت می کند.

روش تحقیق تحت تاثیر نوع مسئله یا مشکلی که محقق با روبه رو استف ماهیت و قضاوتی که انجام می دهد و ویژگی داده هایی است که بررسی می شوند.

حسابرسی به عنوان یک علم همانند زمینه های دیگر ، رویکرد و روش خاص خود را دارد که آنها مخصوص مسئل و مشکلات ، قضاوت و داده های حسابرسی هستند.

**رویکرد علمی**

گرچه میان افرادی که به دنبال روش شناسی علمی هستند شباهتی دیده نمی شود ، لکن در نتایج آنها شباهت هایی وجود دارد و در مورد آنچه که یکی از آنها به عنوان "مطمئن ترین روش برای آزمون درستی گزاره ها توصیف کرده " بینش کافی در اختیار ما قرار می دهد.

رویکرد علمی رویکردی به ذهن و روشی برای استدلال است.

رویکرد علمی بیش از همه ، شامل کنجکاوی همیشگی و تحقیق است.

رویدادها، کارکرد، و فعل وانفعالات علاقه او را بر می گزیند، او باید کشف کند چرا موارد مذکور رخ داده است و مفهوم و تاثیر آنها چیست؟ ریشه این کنجکاوی تمایل به علم و دانش قابل اعتماد است. بدین ترتیب دانشمند هرگز با پاسخ های سریع یا سطحی قانع نخواهد شد و او به عمق مطالب باید برسد.

در حالی این ادعای درستی است که او به کار همکارانش ایمان داشته باشد، لکن کنجکاوی دائمی و نافذی به وی اعطا شده که میتواند مسائل را برای خود ثابت کند.

آزمون نتایج به دست آمده به جای تکیه بر اعتبار چنین نتایجی یکی از ویژگی های تحقیق علمی است.

خیالات واهی ، تعصبات و اظهارت بی اساس همه و همه در کار علمی جایگاهی ندارند.

دانشمند با راه حل های معتبر برای یک مورد خاص ،قانع نمی شود. او هدف حساب شده ای دارد.یعنی در جستجوی نظام یا الگوی اساسی در مورد موضوع تحقیق است.

او پیوسته در جستجوی قوانین و اصول اساسی است که بتواند مسائل حل نشده را توضیح دهند

*. به طور کلی ویژگیهای رویکرد علمی شامل موارد زیر می باشد:*

کنجکاوی محرک، دیرباوری منطقی، تمایل به قاطعیت و در صورت لزوم گرایش به تجدید نظر، اجتناب آگاهانه از انحراف ذهن، هوشیاری نسبت به خطا،آگاهی از محدودیت ها و تمایل به تعمیم نظامند خلاصه نمود.

نوع روش با ماهیت مسئله و مشکل، نوع علمی که به آن تعلق دارد و وضعیت توسعه و تحلیل به دست آمده از زمینه علمی رابطه ای بنیادی دارد.

وقتی یک علم معین توسعه می یابد پس از استنتاج مفاهیم از مرحله مشاهده، توصیف و طبقه بندی سیستماتیک به مرحله تدوین تئوری می رسد.

**رویکرد حسابرسی**

حسابرسی روش خاص خود را دارد که یکباره به دست نیامده و از زمینه های دیگر نتیجه نشده است. روش حسابرسی هنوز رو به تکامل است و وقتی به مسایل جدید می رسد، بیشتر اصلاح شده و ارتقاء خواهد یافت.

نگرش حسابرسی شامل موارد زیر می باشد :

-    محدود کردن علاقه و بررسی به مسائلی که قضاوت و اظهارنظر برای آنها تقاضا می شود.

-                   پذیرش بی طرفی در تدوین و ارائه قضاوت واظهارنظر.

-    قضاوت واظخارنظر بر اساس شواهدی که به طور معقول در دسترس می باشند.

حسابرسان دانشمندان علوم طبیعی هم با مسائل واقعی ، مسائل ارزشی – اخلاقی و ارزیابی سروکار دارند که باید بر اساس آنها قضاوت کنند.

موجودی نقد و سهام سرمایه، حسابهای پرداختنی و غیره مانند مسائل واقعی هستند که در رشته های دیگر نیز به آن ها پرداخته می شود.

حسابرس بر مسائل ارزیابی و ارزش گذاری نیز رو به رو است که افشاء یک مورد معین ، درست یا نادرست بودن ثبت هزینه یا درآمد انتقالی به دوره آینده و مسائل مشابه از این مسائل هستند.

حسابرس با دو گونه مسائل ارزشی در سطح حرفه ای و سطح کار آموزی نیز مواجه است.

علاوه بر این با مسائلی مثل تحریف ها ، شرایط رعایت استقلال در ارائه خدمات به مدیریت و نظایر آن می باشد .

**میان روش های نگرش علمی و نگرش حسابرسی تفاوت هایی به شرح زیر وجود دارد :**

1- در حسابرسی صورت های مالی و یادداشت های همراه صورت های بررسی می شوند وبه ندرت به خارج از چارچوب می پردازد. در حالی که دانشمندان تقریبا در محدوده بررسی و پژوهش های خود بی قید وبند هستند.

2- بی طرفی و استقلال مشخصه ای از کار حسابرسی است که احتمالا خاص حرفه حسابرسی نیست ولی حسابرسان به دلیل ماهیت داده هایی که به او مربوط می شوند و ماهیت مسائل و قضاوت هایی که انجام می دهد بایستی بیشتر بر بی طرفی تاکید داشته باشد.

3- تفاوت در شواهد و جمع آوری آن می باشد. حسابرس باید با اتکا بر اطلاعاتی که در دسترس می باشد استفاده کند وقضاوتی انجام دهد و این کار را با پرداخت بهای مناسب و زمانی معقول این کار را انجام دهد. و این شواهدی که به دست می آید چندان قطعی نیستند.

4- حسابرس به طور پیوسته در قضاوت های گذشته خود تجدید نظر نمی کند. ولی گزارش های گذشته را بررسی می کند و روش های مورد استفاده و آزمون های آن را مرور می کند تا درآینده عملکردی بهتر داشته باشد.

**روش شناسی علم**

روش علمی برای هدایت ذهنیت علمی را می توان در هشت مرحله زیر توصیف کرد :

1- مطالعه مقدماتی در مورد موضوع(مسئله)

2- بیان مسئله

3- مشاهده حقایق مربوط به مسئله (جمع آوری داده ها)

4- استفاده از دانش قبلی و پیشینه موضوع

5- تدوین فرضیه ها

6- استنتاجی از مفاهیم

7- آزمون فرضیه ها

8- نتیجه گیری : فرضیه تایید می شود یا رد می شود.

"**جان دیویی**" مطالعه منابع مربوط به موضوع تحقیق را به عنوان یکی از مراحل اساسی پژوهش علمی مورد بحث قرار داده است و معتقد است که انجام این مطالعه به او کمک می کند بینش عمیقی درمورد پژوهش کسب کند. این مطالعه شامل شناسایی ، مطالعه و ارزیابی تحقیقات و مشاهدات علمی گزارش شده، عقاید و دیدگاه های صاحب نظران در ارتباط با موضوع مورد تحقیق می باشد.

تفکر علمی به جز موارد نادر هدفمند می باشد.

علوم طبیعی و تجربی باید مبتنی و متکی بر فرضیات بدیهی باشند.

**روش شناسی در حسابرسی**

حسابرسی به مسائل واقعی مانند علوم طبیعی و هم به مسائل ارزشی مشابه با مسائل علوم اجتماعی می پردازد و شامل موارد زیر برای رسیدگی به مسائل و مشکلات واقعی می باشد :

1- شناخت مسائل و مشکلات مرکب وپیچیده ( وظیفه حسابرس)

2- مشاهده حقایق مربوط به مسئله

3- تقسیم مسائل و مشکلات مرکب و پیچیده به مشکلات جزیی

4- تعیین شواهد ومدارک موید موجود مربوط به هر مشکل جزیی.

5- انتخاب شیوه های کاربردی و توسئه روش های مناسب.

6- انجام روش های کسب شواهد و مدارک موید.

7- ارزیابی شواهد ومدارک موید.

-       با توجه به کفایت و اعتبار.

-       برای شناخت رد پایی از مشکلات دیگر .

-       با توجه به کفایت اطلاعات برای قضاوت.

8- انجام وتنظیم قضاوت.

-       در مورد هر یک از قضایا (گزاره ها)

-       در مورد مشکلات مرکب وپیچیده.

**تفاوت بین روش شناسی علمی و روش شناسی حسابرسی**

*اولین تفاوت مربوط به شواهد و ویزگی های شواهد لازم می باشد.* حسابرس در اغلب موارد با چیزی کمتر از بهترین شواهد ممکن و مربوط به بک مسئله قانع می شود. در حالی که یک دانشمند تا زمانی که شواهد قطعی در اختیار نداشته باشد قانع نمی شود.

محیط حسابرسی که شامل زمان ، همکاران و مسئولیت ها می باشد که اکثرموارد با محدودیت رو به رو می باشند و این فسمت از محیط حسابرسی تاثیر زیادی بر اعتبار نهایی حسابرس دارد.

یک حسابرس علاوه بر قضاوت ممکن قضاوت دیگری نیز درباره اینکه شواهد طوری هستند که با توجه به وظیفه حرفه ای وی بتواند در مورد صورت های مالی به نتیجه ای معتبر دست یابد.

یک حسابرس به ندرت می تواند از تمام روش های ممکن برای یک مسئله یا مشکل استفاده کند.

*به منظور ایمنی در برابر تمایلات زیان بخش حسابرسی همانند دانشمندان رشته های تجربی :*

1- بداند وقتی شواهدی را می پذیری چه کاری را انجام میدهد و چه ریسکی را پذیرفته است.

2- او باید دلایلی را که به این نتیجه رسانده است بررسی کند.(صرفه جویی در زمان حسابرسی یا بهای تمام شده )

3- در پذیرش نتایجی که از این شواهد به دست می آیند محتاط باشد.

*دومین تفاوت مربوط به آزمایش های کنترل شده می باشد.*

-                   زمان بندی کار حسابرسی بسیار مهم می باشد

-                   ابهام های زیادی بر کارند تا بر قضاوت حسابرس تاثیر گذارند.

-    یک نفر وظیفه اصلی در مورد گزارش نهایی را بر عهده دارد که ممکن است اشتباهاتی رخ دهد.

*سومین تفاوت این است که در حسابرسی فرضیات بدیهی و بدیهیات اساسی که اعتبار و استدلال بر بنیاد های آنها می باشد به خوبی بیان نمی شوند.*

**تئوری احتمالات در علم وحسابرسی**

هر چه آزمایش دقیق تر باشد میزان شواهد جمع آوری شده بیشتر بوده و میزان احتمال نیز بالاتر خواهد بود. هر چه بالاتر هم باشد باز هم قطعی نمی باشد.

نکته جالب توجه این است که اگر در علم کل جامعه در نظر گرفته شود احتمال به قطعیت نزدیکتر می شود در حالی که در حسابرسی اگر کل جامعه به عنوان نمونه در نظر گرفته شود باز هم به علت بعضی از شرایط ها مانند عدم ثبت برخی از بدهی ها و دیگر موارد احتمال اینکه صد در صد باشد نیست.

تاثیر تئوری احتمالات در حسابرسی با استفاده از "**به نظر این موسسه**" یا "**به نظر ما**" در توصیف قضاوت کلی ونهایی حسابرس با توجه به گزارش های مالی رسیدگی شده مشخص می شود.

روش شناسی قضاوت گذاری

در حسابرسی همانند علوم اجتماعی چندین مسئله دارد که مستلزم قضاوت های ارزش گذاری است. این مساله تحت تاثیر تجربه و دانش حسابرسی است.

در این حرفه نیز تلاش برای تعریف اهداف و مسئولیت های مربوط به جامعه ، مسائل مربوط به قضاوت ارزشی به چشم می خورد.

1- شناخت مسئله

2- بیان مسئله.

3- تدوین راه حل های مختلف.

4- ارزیابی راه حل های ممکن.

-       با توجه به تجارب گذشته در رابطه با مسائل مشابه

-       با در نظر گرفتن راه حل های ممکن.

-       با در نظر گرفتن سازگاری راه حل ها با اهداف جامعه.

بر اساس اتکا به حافظه و ابتکار انجام می شود.

از دانش خود برای ابداع راه حل های ممکن استفاده می کند.

عرف کمک شایانی به او می کند.

تجربه و دانش حرفه ای.

عواملی هستند که حسابرسان در روش شناسی قضاوت گذاری از آنها استفاده کند.

تجربه زیاد، حافظه ادراکی ، قوه تخیل کنترل شده و درک صحیحی از عملکردها و مسئولیت های این حرفه در انجام قضاوت صحیح ارزشمند هستند.

قضاوت در مسائل واقعی توسط کارورزی که دارای مهارت بیشتری باشد انجام می گیرد.برای قضاوت در مسائل ارزشیابی نیازمند مهارت های بیشتری است با تاریخچه شرکت آشنا باشد ، درک واقعی از حرفه خود داشته باشد و عوامل محیطی موثر در ارائه قضاوت را در نظر بگیرد.

*علاوه بر اینکه ممکن است قضاوت ها تحت تاثیر اهداف و ایده آل های حرفه ای قرار گیرند بلکه ایده آل های نیز ممکن است تحت تاثیر قضاوت های مهم قرار گیرند.*